جام جم

ویژه فرهنگ - هنر
رسانه - جامعه
۵
دوشنبه ۲۰ تیر ۱۴۰۱ شماره ۶۲۵۷

سینمای روشنفکری خالی از تماشاچی است

۹

یا حضرت مرتضی علی، ادرکنی

نوشتار اختصاصی استاد محمدعلی مجاهدی درباره تأثیرگذاری غدیر بر شعر فارسی

استاد محمدعلی مجاهدی شاعرآیینی درباره تأثیر و بازتاب ماجرای غدیرخم در ادبیات فارسی نوشتاری اختصاصی را برای مخاطبان جام‌جم نوشته است. وی در این نوشتار با مروری تاریخی بر تأثیرپذیری و بازتاب این حادثه مهم تاریخ اسلام، ادبیات فارسی را در دوره‌های مختلف بررسی کرده است. با خواندن این مطلب می‌توان به اثر مهم و باسابقه غدیر و ولایت علی بن ابی طالب(ع) بر شعر فارسی از نخستین دوره‌های شکل‌گیری آن پس از اسلام پی برد.

۱۰

در سال‌های اخیر تعداد مجریانی که بازیگری را تجربه می‌کنند بیشتر شده است

اجرای یک «بازی»

۶

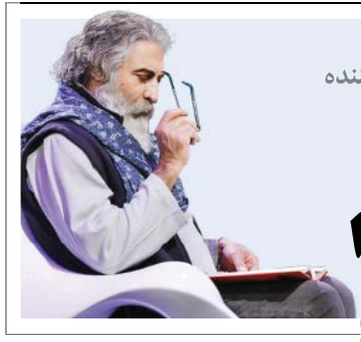

گفت‌وگو با علی زارعان، نویسنده و تهیه‌کننده

کارنامه امروز برسد به دست فردا

۸

مهران رجبی بازیگر در گفت‌وگو با «جام‌جم»:

مردم با دیدن من لبخند می‌زنند

۷

حسن ذوالفقاری به رونمایی «بومی سروده‌های ایران» نرسید

درگذشت مردی که شیفته فرهنگ ایران بود

۱۱

رنگین‌کمان انیمیشن‌ها در مرکز صبا

۶

سبک زندگی

مماشات مرگبار

سودهای کلانی که به جیب عده‌ای می‌رود به ازدیاد سگ‌های بی صاحب منجر شده است

ما با یک سکه دو رو طرفیم؛ یک رویش دلسوزی و ناآگاهی و روی دیگرش، یک مشت بی‌قانونی و سودجویی، حاصل هم افزایش سگ‌های سرگردان در شهرها، روستاها، حاشیه‌ها و بعد هم ترس و ناامنی از یک سو و تلاش برای تقویت هرچه بیشتر جامعه سگ‌ها از سوی دیگر.

۱۲

یادداشت

گریز از موضوعات تکراری

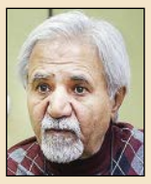

عبدا... باکیده
کارگردان تلویزیون و سینما

یکی از اصلی‌ترین نکته‌هایی که سریال‌های تلویزیونی را پرمخاطب می‌کند گریز از ارائه موضوعات تکراری است و چیزی که بارها از سوی مخاطبان درباره نارضایتی از برخی محصولات ذکرشده همین تکراری بودن مضمون است و این‌که چرا داستان‌های جدید به کار نمی‌گیرند و چرا یک خط داستانی موفق، مدام تکرار شده و به تجربیات ناموفق می‌انجامد.

به نظرم با تشکیل کارگروهی که ذائقه مخاطب امروز را می‌شناسد باید کار جدی را در این بحث شروع کرد و شرایطی را فراهم آورد که سریال تکراری اصلا وارد پیش‌تولید هم نشود، چه برسد به این‌که تولید شده و تازه بعد از روی آنتن رفتن چند قسمت، مخاطب گله کند از تکراری بودن کار؛ یعنی در همان مرحله تصویب طرح می‌توان متوجه شد که آیا کار به نتیجه غیرتجاری منجر خواهد شد یا خیر.

این‌که سریال تکراری تولید نشود به معنای آن نیست که از مضامین پیشتر استفاده‌شده استفاده نکنیم، بلکه اتفاقا باید از مضامین اخلاقی درست همچنان استفاده کرد ولی در شکل پرداخت و داستان‌پردازی به سمت و سویی رفت که مخاطب متوجه تازگی و نوآوری موجود در کار شود و این حس به او دست ندهد که همچنان در حال تماشای داستانی قدیمی و از مد افتاده برای دهمین بار است.

اخذ برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌های بلندمدت برای تولید سریال‌ها کمک می‌کند هم سریال‌های تازه و نو داشته باشیم و هم این‌که سریال‌هایی برای گروه‌های مختلف سنی داشته باشیم. آنچه الان در برخی تولیدات می‌بینیم آن است که سریال را برای یک طیف خاص ساخته‌اند بدون توجه به سایر طیف‌های جامعه.

رسانه ملی باید رسانه‌ای موثر باشد و این تاثیرگذاری در سایه تولیدات متنوع برای هر گروه سنی با موضوعات مختلف و جذاب است.

درباره تولید سریال برای گروه‌های مختلف فقط گروه‌های سنی را درنظر نگیرند بلکه باید برای تمام اقشار مردم محصول تولید کرد و صرفا یک طبقه خاص فرهنگی - اجتماعی را درنظر نگرفت. چه مخاطبی که دانشجو و تحصیلکرده است و چه مخاطبی که کارگر یا دانش‌آموز یا پزشک یا مهندس یا پرستار یا... است نیاز دارد به خوراک رسانه‌ای مطلوب خویش و خوب است که تلویزیون در برنامه‌سازی به تمام این گروه‌ها توجه نشان دهد. سریال‌سازان اگر بتوانند درگیر تکرار نشده و در عین حال بدانند که تلویزیون، گستره مخاطب متنوعی دارد و باید همه آنها را پوشش داد احتمال موفقیت در تولید بالا می‌رود و سریال‌هایی تولید خواهد شد که هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت مورد توجه قرار گرفت.

عمق میدان

بخش ششم

ما در چه موقعیتی هستیم؟

اهمیت رسانه در جهاد تغییر

میراحمد میراحسان
شاعر و پژوهشگر

اکنون نسبت ما و جهان با موضوع تغییر روشن است. دنیای کفر و استکبار و قدرت فرعونی سرمایه‌سالاری چه مدل سرمایه‌داری دولتی شرق و چه سرمایه‌داری نولیبرال و انحصارگرای غرب، تغییر را برای تحکیم قدرت ظالمانه و سلطه و جنایات هرچه بیسترعلیه ملل پیرامونی می‌خواهند و ایران در حال حرکت و مقاومت سرسختانه برای تغییر ساختار پیرامونی و وابسته به نظام پیرامونی است و این همه وحشیگری جهانی قدرت‌های شیطانی شرق و غرب علیه او به سبب همین تلاش برای عبودیت پروردگار یکتا و نفی وابستگی به بت کفر مدرن و قیام خداست و لاغیر.

تغییرات حاصل از تفکر قدرتمداران و فرعونان و تفکرات مدرن و در خدمت نظم قدرت موجود و آلتر ناتیو بی‌باور به عدل الهی، ربطی به امام و راه امام ندارد.

اکنون با آشنایی به این زاویه دید، کمی بیشتر می‌خواهم در باره سه تغییر: ۱ـ تغییر در نظام جهانی قدرت ۲ ـ تغییر در ساختار پیرامونی جامعه ایران و ۳ ـ ضرورت تغییر در نظام عقب مانده رسانه در ایران، به‌ویژه صدا و سیما و درک وسیع‌تر از وظایفش در مقیاس تغییرات منطقه‌ای و جهانی حرف بزنیم. حقیقت آن است که بنا به نشانه‌ها و ادله عینی و عقلی رخداد تغییر نظام جهانی بر اساس تصمیم قدرت حاکم بر سرمایه‌داری بین‌المللی (رهبری گلوبالیست‌ها)، درباره جانشینی چین به‌جای آمریکا، ما با وضع تازه‌ای روبه‌روییم. در همین زمان موضوع ضروریات تغییر ساختار پیرامونی کشور برای ما مطرح است که میراث شوم و استمرار یافته مدرنیزاسیون از بالا و مبتنی بر مدیریت استبدادی و وابستگی رژیم پهلوی به نظام امپریالیستی تحت رهبری شیاطین غرب بوده است (انگلیس پیش و بعد از جنگ جهانی اول و آمریکا پس از جنگ جهانی دوم) یعنی ساختاری که در خدمت ساختار و منافع کشور کانونی و سلطه‌جو بوده و محتاج تلاش متحد ملت در این تغییر حیاتی هستیم و استفاده از شکاف کنونی، مجال وامکانی برای جهش ایران است.

رابطه گلوبالیسم و مدیریت رسانه در ایران

اکنون پس از مرور نگاه تغییر طلب امام (ره) به وضعیت جهان و ایران، نوبت آن می‌رسد که ببینیم بنا به مقتضیات جهاد تغییر در انقلاب اسلامی، رسانه به معنای اعم که وسایل ارتباط جمعی و صدا و سیما جزیی از آن است در چه مسیری باید تغییر کند تا گویای تغییر انقلابی راه امام باشد. خواهیم دید فساد ستیزی، افق گشوده جهانی، گریز از تقلید از رسانه غربی و شرقی، تحول مدیریتی، برنامه‌ریزی علمی‌طولانی مدت و تربیت هنرمندان و مدیران کارآمد، رواج آزاد اندیشی و فرهنگ گفت‌وگو و ارائه فیلم و سریال‌هایی در خور جهاد ایران در منطقه و آگاهی بخشی جهانی با آثار جذاب، بخشی از وظایف صدا و سیماست که دچار خلل جدی است.

موضوع این بخش از مقاله آن است که رسانه ملی ما در بستر تغییرات جهانی و ملی در این چالش بزرگ، ضروری است خود را از نفوذ این جریان ارتجاعی برهاند و این‌که باید بیندیشد، چگونه نقش تاریخی و پیشران و متحد تلاش رهبری انقلاب اسلامی آزادیبخش، استقلال طلبانه و عدالت خواهانه ملت ایران را ایفا تواند کرد؟

از دهه ۸۰ تا امروز درباره گلوبالیسم آرایم را بیان کرده‌ام و طی سال ۹۷ تا امروز در خصوص ضرورت بیداری درباره جانشین شدن چین به‌جای آمریکا بنا به تصمیم رهبران گلوبالیست سرمایه‌داری بین‌المللی و نتایجش اصرار کرده‌ام. متاسفانه به‌دلیل ساختار پیرامونی و به‌شدت مصرفگرا و ناتوان از تفکر خودپو و مستقل، نخبگان دانشگاهی و روشنفکران چپ و لیبرال ایران و فشل بودن حوزه‌های علمیه و بروکراسی عقب مانده حاکم بر آن و تقلید از سیستم ضدعلم و ضداجتهادپروری دانشگاهی، نسبت به مسائل خطیر که همه حیات ما را تحت تاثیر قرار می‌دهد، بی‌مسؤولیتی و نبود شور و عطش تفکر و پژوهش رواج یافته و برخورد نهان روشانه، روز به روز بخش مهمی از ملت را از حس مسؤولیت و دغدغه درک اوضاع جهان و وضعیت ما در این میدان دور کرده وحتی بدل به سحرشدگان برده نظام دجالی عصر و دنباله‌روان بازی شیطان بزرگ و وانموده‌هایش کرده است. رسانه نقش مهمی باید ایفا کند. تغییر رسانه بنا به تغییر جهان و ایران قطعی است.

آغاز شیوع کرونا در ایران سال ۱۳۹۸ برایم به سبب دو اتفاق شخصی، فراموش نشدنی است. یکی آن که رویداد پاندومی کووید ـ۱۹ در همان آغاز و بعد از مدت کوتاهی، گیلان و مرا در زیر بال سیاه خود اسیر رنج‌های بی‌سابقه کرد. تجربه‌ای که فضای شهر سایه‌ای از قیامت داشت. همه از هم می‌گریختند. در مطب دکتر با ترس به یکدیگر نگاه می‌کردند. مغازه‌ها بسته بود و مردم از پشت پنجره‌های بسته، کوچه‌های بی‌رهگذر را می‌پاییدند که آیا جسدی از خانه‌ای بیرون می‌آید بی‌مشایعت گروه غریب؟ یا آمبولانسی که برابر دری متوقف می‌شود آیا منتظر جسد کسی آشناست بربرانکاردی، چون تابوتی روان به سمت آمبولانس، بی‌همراهی در پی؟

عجیب آن است که در من هراس مرگ لانه نکرده بود و از فعال‌ترین دوران کاری‌ام به‌شمار می‌آمد، دو ماه بیماری و نقاهت و دوران قرنطینه‌ام طول کشید؛ خانواده‌ام نگذاشتند به بیمارستان بروم و در خانه و اتاقم پرستاری شدم با رعایت نکات بهداشتی.

همین زمان ساعت‌ها با موبایلم سرگرم جدل با دوستان روشنفکرم بودم درباره کرونا و چگونگی شیوع و ریشه پاندومی آن و رابطه‌اش با سیاست و قدرت جهانی... تا شب چنان دچار تنگی نفس می‌شدم که قلیان اکسیژن می‌کشیدم با عرق نعناع و دچار بی‌خوابی بودم و جز اوقات دعا به دوزخ دنیای مشحون از ظلم و فساد شیطانی قدرت مدرن و فرعونیت سرمایه و تغییری فکر می‌کردم که خدایان ظلمات و بت نفس داشتند رهبری می‌کردند تا مانع ظهور رهبر عدل الهی در زمین گردند و از مکر خدا غافل بودند.

جز مطالعه و دنبال کردن تحرکات قدرت جهانی و اندیشیدن به چالش‌هایش با سرمایه ملی در کشورهای کانونی غرب، در دوران بیماری نکته‌ای دیگری هم توجهم را جلب کرد: تولید رسانه‌ای و تصویری و موزیکال نشر فرهنگ جهان وطنی و یک دیدگاه تغییر جهان در ترانه‌ها و کلیپ‌ها!

با تمرکز روی محتوای ویدئوها، ترانه‌ها و مواد نمایشی که به سرعت در ایران همچون جاهای دیگر دنیا نشر می‌یافت، می‌دیدم مدام در مذمت نظام موجود جهانی زندگی بشر و ضرورت تغییر حرف زده می‌شود. ادامه آرای هانتینگتون و فوکویاما به امری معکوس اما با همان محتوای سیطره جهانی، اکنون در مواد تبلیغی اشاعه می‌شد و از تغییری حرف می‌زدند که ظاهرا خلاف نگرش پیشین نظریه‌پردازان نامور نظام غرب و در باطن شکل جدیدی از سلطه سرمایه جهانی را باز می‌گفت و روشنفکران بومی برده «گیم» فرعون، خود باخته، بازیگر وانموده‌های نمایش و بازی تازه کفر بی‌رحم و مزور جهانی بودند و طوطی باغ بازی سرمایه‌داری جهانی شده بودند.

برش

توافق سرمایه‌داری جهانی با حذف اسرائیل

من سال‌هاست، تقریبا ۵۰ سال که درباره سرمایه‌داری و تحولات آن و پدیده‌های پسا ملی و بین‌المللی آن، گلوبالیسم و قدرت سرمایه جهانی فراملی یهود و... مطالعه می‌کنم. مردم این قدرت هولناک را با سرمایه داری ملی ولوامپریالیستی و انحصارات ملی آمریکا و اروپا یا حتی خود اسرائیل در مقام یک دولت / ملت جعلی یکی می‌پندارند. این پنداری پوچ و رهزن است. سرمایه جهانی یهود، روحی سرگردان در جهان است. بی‌وطن و بهره‌کش از منابع ملت‌ها و دارای تمایل سیطره بر سرمایه ملی و در عین حال رها از وابستگی به جایی و اغلب خائن به حیثیات ملی کشور میزبان با زندگی طفیلی‌وار و بی‌تعهد به مردم و ملی که آن را می‌نوازند و امکان رشد در سرزمین خود به او می‌دهند. به این سان با تمام شدن تاریخ مصرف اسرائیل، خود اسرائیل که در پی مقاومت حماسی ملت فلسطین وحماس اسلامی حیاتش ناممکن شده در مقام دولتی دردسرآفرین به سادگی قربانی تغییرات دلخواه این نیروی شیطانی جهانی می‌شود و به پایان می‌رسد که دیر نیست اما توافق سرمایه‌داری جهانی با حذف اسرائیل یکی از دلایلش، آن است که خود این قدرت جهانی که ماهیتی یهودی دارد و مسیحیت یهودایی را با خود همراه کرده، با سیطره بر جهان دیگر نیازی به صهیونیست‌ها در قالب دولتی مزاحم ندارد و جهان را تحت سلطه دارد.